

# وقف نامه آتشکده قریه قناتغستان در موزه سنگ گنبد جبلیه

نگارنده: گلغام شریفی (۱)

## چکیده

فرهنگ، تاریخ و آیین ایرانیان از دیرباز با سنت وقف و آثار سودمند آن در جامعه آشنا بوده و چنانکه از نوشته‌های گذشتگان بر می‌آید، وقف پیشینه‌های طولانی در ایران دارد. در این پژوهش پس از تعریف وقف و تاریخچه آن در ایران باستان، به معرفی وقفنامه آتشکده قناتغستان می‌پردازیم. این وقفنامه در دوره قاجاریه تنظیم شده و هم‌اکنون در موزه سنگ گنبد جبلیه کرمان نگهداری می‌شود. نام وقف کننده درویش خان ابن جم‌چی هاتریا است که مکانی را جهت انجام برخی امور مذهبی نظیر افروختن آتش و گهنبار خواندن در اختیار زردشتیان قرار داده است.

## واژگان کلیدی:

وقف - وقفنامه - زردشتیان - آتشکده قناتغستان - مراسم مذهبی

## پیشینه وقف در ایران باستان

تردیدی نیست که ایرانیان باستان از راه‌های گوناگون مبادرت به دستگیری از بینوایان و آبادانی زمین می‌نمودند، اما متأسفانه وقف و چگونگی انجام آن در ایران باستان به طور دقیق بر ما پوشیده است. تنها از وجود آتشکده‌ها که دارای موقوفات و نذوراتی بوده‌اند می‌توان رد پایی از این سنت پسندیده را در ادوار گذشته یافت. به نظر می‌رسد آتشکده معروف آذرگشسب در دوره ساسانیان موقوفات بسیار داشته است.

علاوه بر ساختمان آتشکده‌ها، با مطالعه برخی نوشته‌های فارسی میانه کتیبه‌ای و کتابی نیز نکاتی در این زمینه برای ما روشن می‌گردد<sup>(۲)</sup>

از کرتیر موبد پرنفوذ اوایل دوره ساسانی، زمان اردشیر تانرسه، چهار کتیبه به زبان پهلوی به جای مانده است. وی در این کتیبه‌ها دو موضوع اساسی مطرح کرده است.

۱. معرفی او و ذکر القاب و شرح کارهایش در دوره هر پادشاه
۲. معراج او از مهمترین کارهای کرتیر این بود که با ادیان دیگر به مبارزه برخاست، موجبات رفاه روحانیان را فراهم آورد، آتشکده‌ها برپای کرد و برای آتشکده‌ها و موبدان اسناد بسیاری مهر نمود که هدف وی تخصیص موقوفات در این مکان‌ها بوده است.<sup>(۳)</sup>

در سطر نخست کتیبه‌ی کعبه زردشت کرتیر افتخار می‌کند که شاپور وی را در کارهای ایزدی کامکار گردانیده است.<sup>(۴)</sup>

در اینجا منظور از اصطلاح *Kardagān yazdān*: خدمت به ایزدان<sup>(۵)</sup> امور موقوفه است.<sup>(۶)</sup>

علاوه بر کتیبه‌های کرتیر، کتیبه‌های مقصودآباد و تنگ خشک نیز مضمون وقفنامه دارند.<sup>(۷)</sup>

دو کتیبه در مقصودآباد بر صخره‌های از کوه رحمت در جنوب تخت جمشید به خط پهلوی کشف گردیده، کتیبه نخست تعلق *dastagird* (ملکی) به شخصی است که نام آن بدلیل ابهام در خط پهلوی ناخوانا است. اما نام پدر او *Gêsvād* و از روستای *Mitrigān* است. مضمون کتیبه دوم تعلق چاه به همان شخص است.<sup>(۸)</sup> سه کتیبه نیز در نزدیکی سیوند فارس به زبان پهلوی بر تخته سنگ بزرگی نگاشته شده‌اند. ظاهراً کتیبه اول و دوم وقفنامه ملکی است شامل بوستان و قنات و موستان و درختستان و خانهای شخصی بنام فرخبود. کتیبه سوم به طور کامل محو شده است.<sup>(۹)</sup>

در متن‌های پهلوی کتابی شایست ناشایست و مادیان هزار دادستان نیز واژه‌ی *nihādag*: نهاد، به معنای موقوفه یا آنچه برای مصرف کاری خاص معین می‌کنند، به کاررفته است.<sup>(۱۰)</sup>

در شایست ناشایست ظبه احکام وقف اشاره شده، یکی آنکه اگر مرد در صورت توانایی مال وقفی بنهاد تا تن پسین<sup>(۱۱)</sup> کرفه‌اش دوام یابد، دیگر آنکه وقف در روزهای فروردیان (روزهای آخر سال) بنهد<sup>(۱۲)</sup>

مجموعه حقوقی مادیان هزار دادستان در دوره خسرو پرویز گردآوری شده اما در سده سوم هجری مطالبی بدان افزوده یا کاسته شده است. همه فتواها بر اساس قوانین دینی زردشتی است، از جمله قضایای حقوقی مطرح شده در این کتاب مالکیت و موقوفات است.<sup>(۱۳)</sup>

در فصل ۲۹ بندهای ۹ تا ۱۱ آمده که اگر شخص برای روان خویش مال وقفی برجای نهاد اما فرمان (دستوری) در مورد نگهداری آن نداد، پس از مرگ پدر پسر ارشد مکلف به حفظ مال است.<sup>(۱۴)</sup>

فصل ۳۴ بندهای ۱، ۷ و ۸ درباره‌ی اشیای وقفی به آتشکده‌هاست و اینکه متولیان باید عایدات را اداره کنند.<sup>(۱۵)</sup>

## وقف در میان زردشتیان کرمان

پس از اشارهای کوتاه به تاریخچه‌ی وقف در ایران دریافتیم که بر اساس مستندات، این آئین کهن از دوره ساسانیان در جامعه‌ی زردشتیان سابقه داشته است. این جماعت بیشتر از سایر اقوام به پاسداری از فرهنگ کهن ایرانی پرداختند و در حقیقت نمایی مدرن از زندگی باستانی ایرانیان را نگاه داشتند. شاید به همین دلیل است که ایرانیان کنونی این جامعه کوچک را به چشم نیاکان معاصر خویش می‌پندارند. گرچه گذر زمان، باورها و عقاید باستانی آنها را دستخوش دگرگونی‌هایی کرده است.<sup>(۱۶)</sup>

انجمن زردشتیان مهمترین مجمع رسمی در جامعه‌ی کنونی زردشتی است که پیشینه آن به روزگارساسانیان باز می‌گردد. در سده‌ی گذشته مانکجی صاحب در یزد و کرمان انجمن‌های زردشتیان را تشکیل داد. پس از آن انجمن زردشتیان در تهران به همت اردشیر ریپورتر و ارباب کیخسرو شاهرخ در ۱۳۲۵ ق فعالیت خود را آغاز کرد.

این انجمن‌ها که نماینده رسمی جامعه زردشتی هستند، همگی موقوفاتی دارند و مکلف به رسیدگی آنها هستند. بسیاری از این اماکن وقفی محل برگزاری آیین‌های سنتی و جشن‌هاست.<sup>(۱۷)</sup>

زردشتیان کرمان<sup>(۱۸)</sup> در یک قرن و نیم اخیر اقدام قابل توجهی ملک و وسائل زندگی وقف کرده‌اند. سند این وقف‌ها به شهادت دفتر موقوفات زردشتیان کرمان نزد روحانیان مسلمان کرمان تنظیم گردیده و شرعاً مورد تصدیق و تایید قرار گرفته است.

در مجموعه‌های با ۶۸ فقره موقوفه که به کوشش آقای آزادمهر ایزدیاریار رئیس انجمن زردشتیان کرمان تنظیم گردیده است، اطلاعات با ارزشی از نام، مشخصات، نیت واقفان و مقدار موقوفه بدست می‌آید. علاوه بر این، اسناد وقفی می‌تواند گویای بسیاری از مسائل تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و زبانی زمان خود باشد.<sup>(۱۹)</sup>

علاوه بر وقفنامه‌هایی که بر روی کاغذ نوشته شده، در این پژوهش نمونه‌ای از یک وقفنامه‌ی سنگی معرفی و تحلیل محتوایی می‌گردد. این سنگ نوشته در دوره قاجاریه در آتشکده قناتغستان نصب شده بود و پس از تخریب آتشکده، توسط کارشناسان میراث فرهنگی استان کرمان به موزه سنگ گنبد جبلیه<sup>(۲۰)</sup> منتقل شد و در حال حاضر در این مکان نگهداری می‌شود<sup>(۲۱)</sup>.

با نگاهی کوتاه به برخی از زمینه‌ها و واقعیات، می‌کوشیم به چند ویژگی در خور توجه این سند تاریخی اشاره نماییم.

۱. نام واقف مانک درویش خان بن جم جی هاتریا ذکر شده است.

وی معروف به مانکجی لیمجی هاتریا از چهره‌های فرهنگی ایران در دوران معاصر است. نیاکانش در اوایل دوره صفویه از ایران به هندوستان مهاجرت کردند. اما در دوره قاجاریه انجمن بهبودی زردشتیان ایران به ریاست سردینشاه پتیت بارونت وی را برای بهبود وضع اجتماعی زردشتیان به ایران فرستاد.

از خدمات فرهنگی او می‌توان به لغو جزیه در زمان ناصرالدین شاه، رواج سدره پوشی برای نوجوانان، تعمیر نیایشگاههای زردشتی و تشکیل انجمن زردشتیان اشاره کرد.<sup>(۲۲)</sup>

وی در سال ۱۲۷۲ق/۱۲۲۵یزدگردی، از سوی رحمتعلیشاه (قطب سلسله نعمت الهی) در ماهان کرمان ملقب به «درویش فانی» گردید.<sup>(۲۳)</sup> به تعبیری ده سال پیش از ساخت آتشکده قناتغستان این لقب به وی داده شد.

۲. محل وقف روستای قناتغستان، در پنج فرسنگی کرمان و از توابع ماهان است. این منطقه در منابع به صورت‌های قناتغستان و قناتغسان نیز ضبط شده است. ظاهراً این نامگذاری به اشتباه از واژه‌ی غسان نامی که حاکم کرمان دانسته‌اند، گرفته شده و آبادی معروف قناتغستان که نامی کهن و فارسی است بدین صورت وجه تسمیه داده شده است.<sup>(۲۴)</sup>

در این زمان املاک وقفی زردشتیان باغ، آب و زمین در منطقه‌ی قناتغستان رقم قابل

ملاحظه‌ای بوده است که امروز خالی از ساکنان زردشتی است. (۲۵)

۳. سبک نگارش این نوشتار مربوط به دوران قاجاریه است و از واژه‌هایی چون «دبیرستان» و «وخشور» سخن به میان آمده که از آن زمان تاکنون یا دگرگونی معنا یافته‌اند و یا از زبان فارسی متروک گشته‌اند.

در این سند واژه‌ی «دبیرستان» به معنای مکتب‌خانه و واژه‌ی کهن «وخشور» به معنای پیامبر و رسول آمده است (۲۶)

۴. در ایران سنت دیرینه مرکزیت آتش به هنگام عبادت به صورت ساخت آتشکده‌ها و قبله بودن آتش درآمده و پایدار مانده است. آتشکده‌های روشن امروزی بازمانده‌ی آتش‌های دیرینه و باستانی است و فروزندگی این آتش‌ها دوام جامعه زردشتی را تضمین کرده است. (۲۷)

نیت واقف از تاسیس آتشکده قناتغستان نخست محل عبادت خدا و تحصیل علم ذکر گردیده، سپس جایی برای خواندن گهنبار (۲۸) و آفرینگان (۲۹) و خیرات نمودن و در پایان محلی است که برای برگزاری ازدواج پسران و دختران در نظر گرفته شده.

۵. تاریخ وقف بر اساس تقویم یزدگردی (۱۰ سال کمتر از هجری شمسی) و تقویم هجری قمری آمده است.

تاریخ نوشتن وقفنامه‌ی مذکور به تاریخ یزدگردی روز سروش ایزد از دیماه است اما در تقویم قمری تنها به سال ۱۲۸۲ هجری اشاره شده و روز و ماه ذکر نگردیده است.

در گاهشماری کهن ایران هر یک از سی روز ماه به نام ایزدی بوده است از اورمزد تا انگران و «سروش» روز ۱۷ ماه است. (۳۰)

در زیر متن وقفنامه از روی قرائت شهریار بهرام که بر روی کاغذ نوشته و در قاب شیشه‌داری کنار کتیبه وقف نهاده شده، به پیوست تصویر آن آورده می‌شود.

## متن وقفنامه:

یا هو

بنام یزدان بی نیاز

این زیارت خانه به جهت خشنودی خالق مهربان و رضاجوئی و خشوران در عهد دولت دوران شاهنشاه جمجاه سلطان ابن سلطان ابن سلطان و الخاقان ناصرالدین شاه قاجار خلدالله الملکه از یآوری و ارزانش خداوندان و از دادودهش اکابر صاحبان نیکومنش از نژاد کیان متوطنین هندوستان از برای رفاهیت طایفه زرتشتیه ایران به توسط این خاکسار و ذره بی مقدار فرمسا مانک درویش خان ابن جم جی هاتریا در قریه قنواة غستان این فرخنده عمارت به جهت آذرافروز و نماز بردن یزدان پرستان برای چند کار ساخته شد.

نخست آنکه طایفه زرتشتیه در این پاک جای عبادت خدا را به جای آورند.

دوم دبیرستان باشد.

سوم جای گهنبار خواندن بود.

چهارم هرگاه در این جا آفرینگان بخواند و خیرات نماید رواست.

پنجم فراهم آوردن طایفه زرتشتیه و پیوند دادن پسران و دختران را انجام یافت. در یوم سروش ایزد از تیر ماه قدیم سنه ۱۲۳۵ موافق با سنه ۱۲۸۳ هجری

عکس از نگارنده که در مهر ماه ۱۳۸۷ گرفته شد

سنگ نوشته آتشکده قناتغستان در ۱۴ سطر به خط خوش برجسته بر روی مرمر صورتی رنگ نگاشته شده. قسمت بالای سنگ هلالی و اندازه آن ۸۰×۵۰ است.

## پی نوشت

۱. دکترای فرهنگ و زبانهای باستانی عضو هیئت علمی پژوهشکده مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی
۲. (خلعتبری تنکابنی ۱۳۵۰-۱۳۵۱: ۶ و ۱۲)
۳. (تفضلی، ۱۳۷۶: ۸۹-۹۳)
4. (Gignoux1991,45,66)
۵. (مکنزی ۱۳۷۳: ۹۸)
۶. (تفضلی، ۹۱)
۷. (تفضلی، ۹۷)
8. (De Menasce1956 : 424-427)
۹. (تفضلی، ۹۷-۹۸)
۱۰. (طاووسی ۱۳۷۲: ۲۵۷ و نیز: مزداپور ۱۳۶۹: ۲۹۸، همچنین نک به: (Perikhanian 1997 : 375
۱۱. تن پسین یا آخرین بدن تنی است که در پایان جهان عالمیان آن را جاودانه خواهند داشت و نامیرا و کامل است. (مزداپور ۱۳۶۹: ۱۰۶)
۱۲. (مزداپور، ۱۱۲ و ۱۲۱)
۱۳. (تفضلی، ۲۸۶ و ۲۸۷)
14. (Perikhanian,86,87)
15. (Ibid,96,97)
۱۶. (مزداپور ۱۳۸۲: ۱۱)
۱۷. (همان، ۹۴-۹۶)
۱۸. آقامحمد خان عدهای از زردشتیان را جهت انجام امور کشاورزی به کرمان کوچ داد. (اطلاع شفاهی)
۱۹. (روح الامینی ۲۰۵ و ۲۰۶)
۲۰. بنای تاریخی گنبد جبلیه ساختمانی هشت ضلعی است که در دامنه شیوشگان واقع شده و به احتمال قوی از ابنیه پیش از اسلام است. گنبد جبلیه را گنبد گبری نیز گفته‌اند. (وزیری ۱۳۸۵: ۱۶۲ و ۳۲۷ و ۴۶۵)
- گنبد جبلیه در سال ۱۳۱۶ شمسی در فهرست آثار ملی ثبت شد و در سال ۱۳۸۳ به موزه سنگ تبدیل گردید. (بروشور رایگان میراث فرهنگی)
۲۱. (بروشور رایگان میراث فرهنگی)
۲۲. (مزداپور، ۶۳ و ۷۸)
۲۳. (همان، ۷۸)
۲۴. (وزیری ۱۳۸۵: ۲۹۷ و ۵۰۲)
۲۵. (روح الامینی ۲۰۶ و ۲۰۸)
۲۶. (خلف تبریزی ۱۳۶۱، ج ۲ و ۴)
۲۷. (مزداپور، ۱۰۶-۱۰۸)
۲۸. گهنبارها جشن‌های فصلی هستند که با فاصله‌های نابرابر در طول یک سال برگزار می‌گردند. آخرین گهنبار یادبود آفرینش انسان است. (آموزگار ۱۳۷۴: ۴۰)
۲۹. آفرینگان دعاهایی از خرده اوستاست که همراه با اهدای نذورات می‌خوانند. (تفضلی ۱۳۷۶: ۴۳)
۳۰. (کریستن سن ۲۳۰: ۷۲۱۳ و ۲۳۱)